

دوره ۷، شماره ۱

بهار ۱۳۹۰

صص ۴۸-۲۹

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۱۲

اندیشه‌های نوین تربیتی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

دانشگاه الزهراء

تاریخ دریافت: ۸۸/۹/۱۱

تاریخ بررسی: ۸۸/۱۰/۱۵

مقایسه نظام ارزشی دبیران با دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی

سیروس قبری*

یحیی مروفی**

یاورفاغی***

چکیده

پژوهش حاضر، به منظور مقایسه نظام ارزش‌های دبیران با دانش‌آموزان دوره پیش‌دانشگاهی انجام شد. نمونه پژوهش ۸۰ دبیر و ۲۶۰ دانش‌آموز دوره پیش‌دانشگاهی شهرستان کامیاران بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد و پرسشنامه ۴۵ ماده‌ای ارزش‌های آلپورت، ورنون و لندزی پس از برآورد اعتبار، برای دو گروه دبیران و دانش‌آموزان اجرا شد. داده‌ها با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد و از روش آماری آزمون تحلیل واریانس دو متغیره استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سلسله مراتب نظام ارزشی دبیران به ترتیب ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و مذهبی است. این سلسله مراتب برای دانش‌آموزان ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و هنری است. بین میانگین ارزش‌های نظری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دبیران مرد و زن تفاوت وجود دارد و در تمامی این ارزش‌ها، میانگین دبیران مرد بیش از دبیران زن است. بین میانگین ارزش‌های نظری، سیاسی، مذهبی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد و در تمامی این ارزش‌ها به استثنای ارزش‌های اجتماعی، میانگین دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر است. بین میانگین ارزش‌های دبیران با دانش‌آموزان در ارزش‌های

siroosghanbari@yahoo.com

* نویسنده مسئول: استادیار دانشگاه بوعلی سینا

** استادیار دانشگاه بوعلی سینا

*** کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

شش گانه مورد بررسی، به استثنای ارزش‌های هنری، تفاوتی معنی‌دار وجود ندارد.

کلید واژه‌ها :

نظام ارزشی، سلسله مراتب ارزش‌ها، دبیران، دانش‌آموزان، دوره پیش‌دانشگاهی

مقدمه و بیان مسأله

ارزش، به مثابه یک پدیده اجتماعی، از زمان تشکیل اجتماعات اولیه تاکنون در زندگی انسان نقشی مهم داشته است. به زعم ماکس وبر^۱، زندگی بشر از یک رشته انتخاب‌ها تشکیل شده است که افراد از طریق آنها نظامی از ارزش‌ها را برپا می‌کنند (آرون، ۱۳۶۸). ارزش‌ها، پایه و اساس بینش و کنش انسان را تشکیل می‌دهند و در انتخاب، گزینش و انجام کنش اجتماعی و رفتار نقش دارند (باستانی، ۱۳۸۶). ارزش‌ها در واقع انعکاسی از نیازهای مادی و روانی انسان و تبلوری از وضعیت ارتباط متقابل و روابط اجتماعی هستند که به تعبیر گوناگون، از جمله احساسات عمیق و تعیین بخش رفتار (پروس کوئن^۲، ۱۳۷۹)، نگرش بنیادی ناظر بر اهداف (روشه، ۱۳۷۹)؛ ایده آل‌ها یا کمال مطلوب‌های جامعه (معرف زاده و همکاران، ۱۳۸۴)؛ آرمان‌های انتزاعی (گیدنز، ۱۳۸۰)؛ نوعی الگوی اجتماعی و معیاری برای تنظیم رفتار (اعرابی، ۱۳۷۳) محسوب می‌شود. مک لاف لین^۳ (۱۹۶۵) از «ارزش»، تحت عناوینی همانند «ترجیحات»، «خواست‌ها»، «انگیزه‌ها» و «مفاهیم ناظر به وضعیت‌ها» سخن گفته است و شال شاف^۴ (۱۹۷۵) از واژگانی همچون «هنجار» و «انگیزه»، به منزله مفاهیم مرتبط با ارزش سخن گفته است (افتخاری، ۱۳۷۸).

نظام ارزشی به عنوان محوری ترین اعتقاد فرد تلقی می‌شود که راه‌ها، هدف‌ها و رفتارهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر روکیچ^۵ (۱۹۷۳)، نظام ارزشی دربرگیرنده سلسله مراتبی از ایده آل‌هاست؛ به طوری که یک فرد بزرگسال ده هزار اعتقاد و هزاران نگرش دارد، اما تعداد ارزش‌های او محدود است. دونالد سوپر نیز رابطه بین نیازها، ارزش‌ها و

1. Maks weber
2. Bruce Kuhn
3. Melaughlin
4. Scholl - Schaaf
5. Rokeach



علاقی را به صورت الگویی سلسله مراتبی می‌بیند (روکیچ، ۱۹۷۳). گلמן^۱ (۱۹۸۰) نظام ارزشی را نظامی از ایده آل‌ها می‌داند که به ترتیب اهمیت، سازمان یافته‌اند؛ وقتی ارزشی درونی می‌شود، به معیار و ضابطه‌ای برای هدایت رفتار، تحول و تثبیت طرز تفکر فرد درباره اشیاء و موقعیت‌های مرتبط، تبدیل می‌شود (داریاپور، ۱۳۸۶). همچنین، به عنوان معیاری برای قضاوت درباره خود فرد و دیگران به شمار آمده و در همه تعارض‌های زندگی، انتخاب‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از نظر سلیمانی (۱۳۷۵) نظام ارزشی به کشش‌ها و گرایش‌هایی اطلاق می‌شود که بر انتخاب فرد تأثیر می‌گذارند؛ در واقع، می‌توان گفت که نظام ارزشی مجریایی است که انسان از طریق آن، تصورات و مفاهیم را کسب می‌کند (کوشکی و همکاران، ۱۳۸۰).

صاحب نظران مختلف تقسیم بندی‌های گوناگونی از نظام ارزش‌ها به عمل آورده‌اند. از جمله آلپورت^۲ و همکاران (۱۹۶۰) شش نظام ارزشی اساسی را شامل ارزش‌های نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی شناسایی کرده‌اند. به اعتقاد آنها، نظام‌های ارزشی هیچ انسانی از این شش نظام ارزشی خارج نیست و غیر از این نظام‌های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزشی دیگری وجود ندارد. روکیچ (۱۹۷۳) ارزش‌ها را به دو دسته ارزش‌های نهایی و ارزش‌های ابزاری تقسیم کرده است. به باور او، ارزش‌ها شیوه‌های برتر رفتار و به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف مطرح هستند. شوارتز با تعلق ارزش‌ها به عنوان اهداف فرا موقعیتی، نظام ارزش‌ها را به سه گروه تقسیم‌بندی کرده است؛ الف: ارزش‌هایی که ممکن است در خدمت منافع فردی یا جمعی باشند؛ ب: ارزش‌هایی که ممکن است ابزاری باشند و ج: ارزش‌هایی که از نیازهای اساسی انسان (زیستی، اجتماعی و رفاهی) نشأت گرفته‌اند (آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷). لطف آبادی (۱۳۸۵) از ده ارزش فردی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، هنری، علمی و نظری، دینی، ملی و جهانی شدن به عنوان مؤلفه‌های نظام ارزشی افراد نام برده است.

به باور آلپورت، منظور از ارزش‌های نظری، جنبه نظری و انتزاعی علم و دانش است و معنای عملی و عینی آن را شامل نمی‌شود. براین اساس، فرد تشنه علم و دانش است و صرفاً

1. Goleman
2. Allport

می‌خواهد که بخواند؛ زیرا علاقه اصلی انسان‌های علمی، کشف حقیقت است. در نظام ارزشی مبتنی بر ارزش‌های اقتصادی، فرد به پول و ثروت بها می‌دهد. هدف اصلی او در زندگی، جمع‌آوری پول و ثروت زیاد تا جایی است که امکان دارد؛ او به هیچ چیز غیر از پول و ثروت نمی‌اندیشد، حتی ممکن است از خواب و خوراک و خانواده خود بگذرد تا به پول بیشتر برسد. انسان اقتصادی می‌خواهد همه چیز سود عملی و منفعت مالی داشته باشد. در نظام مبتنی بر ارزش هنری، فرد عقیده دارد که زیبایی مهم‌ترین و ارزشمندترین چیز در زندگی است. هدف اصلی او در زندگی، رشد توانایی‌های هنری خود و درگیر شدن با اعمال و حرکاتی است که زیبایی را در سطح عمومی و خصوصی افزایش می‌دهد. انسان زیبا گرا، نظم و هماهنگی را بالاترین ارزش می‌داند. برای چنین فردی، هر تجربه‌ای از نظر ظرافت، تقارن و تناسب ارزیابی می‌شود. بر اساس دیدگاه آلپورت، در نظام ارزش اجتماعی، هدف اصلی فرد در زندگی، رشد و گسترش ارتباطات گرم و محبت‌آمیز با دیگران است؛ چنین فردی درصدد یافتن راه‌هایی است تا از طریق آن‌ها رفاه و آسایش عمومی مردم را افزایش دهد؛ همواره به دنبال کسب رضایت مردم و کسب وجهه و موقعیت اجتماعی است. در نظام ارزش‌های سیاسی، فرد به قدرت و سیاست ارزش و اهمیت می‌دهد؛ کسب قدرت و مهارت‌ها و ملت‌ها از مهم‌ترین اهداف زندگی او محسوب می‌شود؛ هدف اصلی چنین فردی در زندگی، یادگیری شیوه‌ها و فنون جدید سیاست و یافتن شیوه‌ای برای قرار دادن خود در یک موقعیت قدرت سیاسی و نفوذ شخصی بر دیگران است. در نظام مبتنی بر ارزش مذهبی، فرد اعتقاد دارد که ارزش‌های دینی بالاترین، مقدم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌هاست و می‌کوشد تا هستی را در کل آن درک کند و خود را به کلیت جامع و فراگیر آن ارتباط دهد. هدف اصلی او در زندگی این است که زندگی خود را به شیوه‌ای عملی کند که با باورهای دینی او متحد و سازگار باشد. آلپورت معتقد است که نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به صورت کامل و مستمر به شخصیت یک فرد، وحدت و یکپارچگی ببخشد (آلپورت و همکاران، ۱۹۶۰).

ارزش‌ها عمیق‌ترین عنصر فرهنگی هستند که از سنت‌ها، مبانی اخلاقی و به ویژه از ایدئولوژی حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرند (علاقه بند، ۱۳۸۰). نظام ارزشی هر جامعه متفاوت است؛ به عبارت دیگر، ارزش با تغییر تمدن و فرهنگ جامعه تغییر می‌کند و از آن بالاتر این که

حتی ارزش‌های یک جامعه در گروه‌های مختلف، متفاوت است. مثلاً ارزشی را که نوجوانان پذیرفته اند، شاید بزرگسالان طرد کنند یا کم تر قبول داشته باشند (برک^۱، ۱۹۹۴). ارزش و نظام ارزشی از جمله مسائلی است که کنجکاوی بسیاری از پژوهشگران را برانگیخته است. آلپورت و همکاران (۱۹۶۰) نتیجه گرفتند که علایق زیبایی شناختی، اجتماعی و دینی زنان بیشتر از مردان است. ساتو^۲ (۱۹۷۳) مشخص کرد که در دوره نوجوانی، ارزش‌های برتر جابه جا می‌شوند و از این جهت، میان دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. کوهن راز^۳ (۱۹۸۲) در پژوهشی که در خصوص گروهی از نوجوانان فرانسه انجام داد، به این نتیجه رسید که تغییر محیط شناختی و محیط اجتماعی نوجوانان باعث تغییر در وضعیت تحصیلی و نظام ارزشی آنها می‌شود (احدی و محسنی ۱۳۷۰). موسگراو^۴ (۱۹۸۴) نشان داد که دختران بیش از پسران بر ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کنند. موهان و همکاران (۱۹۸۶) دریافتند که نوع دوستی، به نحو شایسته‌ای با سن و ارزش‌های اجتماعی و نظری مرتبط است (عرفانی، ۱۳۸۳). لی و مارکس^۵ (۱۹۹۰) طی مطالعه دانش‌آموزان دبیرستانی، به این نتیجه رسیدند که بین سلسله مراتب ارزش‌ها، نگرش‌ها و پیامدهای رفتاری (مانند پیشرفت تحصیلی) دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. پژوهش عبدالفتاح^۶ (۱۹۹۲) نشان دهنده این موضوع است که پسران بیش از دختران به آزادی و استقلال اعتقاد دارند؛ در حالی که دختران با ارزش‌های خانوادگی و نظارت والدین به لحاظ عاطفی و اجتماعی سازگاری بیشتری دارند. اکلس^۷ و همکاران (۱۹۹۸) طی پژوهشی دریافتند که تغییر در شرایط مدرسه، خانه و شرایط رشدی نوجوانان به تغییر در عقاید، ارزش‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای نوجوانان منجر می‌شود. کامار و تیودیوس^۸ (۱۹۹۸) با مقایسه نظام ارزشی دانشجویان آمریکایی تبار و دانشجویان خاور دور (دانشجویان جدیدالورود و دانشجویانی که دو سال از اقامت و تحصیل آنها در امریکا گذشته بود)، تأثیر تغییر در شرایط و محیط آموزشی و زندگی را بر ارزش‌ها و عقاید

1. Berk
2. Sato
3. Kohen-Raz
4. Musgrave
5. Lee & Marks
6. Abdol-fattah
7. Ecclees
8. kumar & Thibodeaux

دانشجویان نشان دادند.

در سال ۱۳۵۴، در دانشگاه شیراز مطالعه‌ای در زمینه اولویت‌های ارزشی دانشجویان انجام شد. نتایج حاکی از آن است که سلسله مراتب ارزشی دانشجویان به ترتیب شامل ارزش‌های نظری، اجتماعی، سیاسی، زیباشناختی، دینی و اقتصادی را شامل بود (اردوبادی، ۱۳۵۴).

مطالعه سلسله مراتب ارزشی دانشجویان دانشگاه شاهد نشان داد که سلسله مراتب ارزشی دانشجویان به ترتیب ارزش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، نظری، هنری و اقتصادی را شامل است و متغیرهای جنس، دانشکده، خانواده، نوع دیپلم، شغل والدین و محل سکونت خانواده در اولویت‌های ارزشی دانشجویان تأثیر داشته است (نوربالا و همکاران، ۱۳۸۶).

گیلک (۱۳۷۳) در پژوهشی نشان داد که پسران بیشتر از دختران در موارد اخلاقی با والدین خود اختلاف دارند. همچنین، نتایج حکایت از آن دارد که در پسران ارزش‌های اقتصادی و سیاسی بالاتر بود، ولی در دختران ارزش‌های زیبایی‌شناختی، مذهبی و اجتماعی نسبت به پسران بالاتر بود. شمسیان (۱۳۷۳) و عرفانی (۱۳۸۱) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. نتایج پژوهش زین آبادی (۱۳۷۶) و تیموری (۱۳۷۸) نشان داد که بین سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران تفاوت وجود دارد.

کوشکی و همکاران (۱۳۸۵) مشخص کردند که بین نظام ارزشی دانش‌آموزان هدایت شده به رشته‌های مختلف تحصیلی تفاوت وجود دارد. شیخی (۱۳۸۵) نشان داد که بین نظام ارزش‌های معلمان و دانش‌آموزان با ضریب همبستگی ۰/۴۶ رابطه معنادار وجود دارد. عرفانی (۱۳۸۱) دریافت که سلسله مراتب نظام ارزشی دانش‌آموزان به ترتیب اولویت عبارتند از: نظری، سیاسی، اقتصادی، هنری، اجتماعی و مذهبی. همچنین، میان پسران و دختران از نظر ارزش‌های نظری، اقتصادی، هنری و سیاسی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتایج پژوهش مهرابی زاده و همکاران (۱۳۸۳) حاکی از آن است که میان دانش‌آموزان و والدین آنها در ابعاد ارزش نظری، سیاسی، هنری و اجتماعی تفاوت معنی‌دار وجود دارد، ولی در ارزش‌های اقتصادی و مذهبی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. رحیمی (۱۳۸۵) نشان داد که بین ارزش‌های نظری، اجتماعی و مذهبی مدیران مدارس متوسطه و پیش‌دانشگاهی با رشد اخلاقی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

به رغم پژوهش‌های فراوانی که در زمینه نظام ارزشی دانش‌آموزان انجام شده است، با این

حال بررسی و مقایسه نظام ارزشی دبیران و دانش‌آموزان مغفول مانده است. با توجه به این که آموزش و درونی شدن ارزش‌ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام‌های تربیتی است و درونی شدن ارزش‌ها از طریق فرایند جامعه‌پذیری اتفاق می‌افتد و نیز در فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان، اولیاء مدارس، به ویژه دبیران، به عنوان مهم‌ترین گروه‌های مرجع دانش‌آموزان، نقش ملاحظه‌پذیری دارند، و از آن جایی که وجود تفاوت بین نظام ارزش‌های دانش‌آموزان و دبیران آنها، بدون تردید، فرایند تعلیم و تربیت را با اختلال مواجه می‌کند، بنابراین، باید به شناخت علمی گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و دبیران آنها دست یافت و از اطلاعات به دست آمده در سیاست‌گذاری برنامه‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی دانش‌آموزان و دبیران مدارس سود جست. لذا مطالعه و بررسی نظام ارزش‌های دانش‌آموزان و دبیران آنها از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف شناخت و مقایسه نظام ارزشی دانش‌آموزان و دبیران دوره پیش دانشگاهی شهرستان کامیاران انجام شده است. با توجه به هدف فوق، سؤال اساسی پژوهش این است که دبیران و دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی به تفکیک جنسیت از چه نظام ارزشی پیروی می‌کنند؟ آیا بین نظام ارزشی‌های دبیران و دانش‌آموزان تفاوت وجود دارد؟

روش پژوهش

در این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، از روش پژوهش توصیفی^۱ از نوع پیمایشی^۲ استفاده شد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کلیه دبیران و دانش‌آموزان دوره پیش دانشگاهی که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ در مراکز پیش دانشگاهی شهرستان کامیاران به تدریس و تحصیل مشغول بوده‌اند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل دادند که تعداد آنها ۱۰۰ دبیر زن و مرد و ۸۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر بود. حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان^۳ (نادری و نراقی، ۱۳۸۵) تعداد ۸۰ دبیر و ۲۶۰ دانش‌آموز تعیین شد. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۴ استفاده

1. descriptive research
2. survey
3. Krejci & Morgan
4. Stratified random

شد.

در این پژوهش، برای جمع آوری داده‌ها، از پرسشنامه سنجش نظام ارزشی ساخته آلپورت و همکاران استفاده شد. این پرسشنامه دو قسمت دارد: قسمت اول سی سؤال دارد که آزمودنی با دادن نمره ۳ تا ۱ درجه رجحان نسبی خود را به هر یک از دو فعالیت مطرح شده در هر سؤال مشخص می‌کند؛ قسمت دوم پرسشنامه ۱۵ سؤال دارد که آزمودنی در هر سؤال، چهار گزینه را بر حسب رجحان خود از ۱ تا ۴ رتبه بندی می‌کند. در مجموع، تعداد ۱۲۰ پاسخ وجود دارد که هر ۲۰ پاسخ به یک ارزش مربوط می‌شود (آلپورت و همکاران، ۱۹۷۰).

آلپورت و همکاران پایایی^۱ این آزمون را با استفاده از روش تنصیف و باز آزمایی به ترتیب برای ارزش‌های نظری (۰/۸۴ و ۰/۸۷)، اقتصادی (۰/۹۳ و ۰/۹۲)، اجتماعی (۰/۹۰ و ۰/۷۷)، هنری (۰/۸۹ و ۰/۹۰)، سیاسی (۰/۸۷ و ۰/۹۰) و مذهبی (۰/۹۵ و ۰/۹۱) محاسبه کردند (آناستازی، ۱۹۹۰).

در داخل کشور نیز روایی و پایایی این آزمون طی پژوهش‌های مختلفی تأیید شده است. مثلاً محمدی روزبهانی و همکاران (۱۳۷۷) با استفاده از روش کودر ریچاردسون، برای ارزش‌های نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی، ضرایبی به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۹، ۰/۸۵، ۰/۹۲، ۰/۸۱ و ۰/۹۶ به دست آوردند. همچنین مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۳) پایایی آزمون فوق را در مطالعه دانش‌آموزان سال سوم متوسطه با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای ارزش‌های نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی به ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۸۲، ۰/۸۳، ۰/۸۲، ۰/۸۳، ۰/۸۱ و ۰/۸۱ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرانباخ برای ارزش‌های نظری، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی، و مذهبی ضرایبی به ترتیب برابر با ۰/۷۱، ۰/۷۲، ۰/۷۴، ۰/۷۷، ۰/۷۲ و ۰/۷۶ و همچنین، با استفاده از روش تنصیف، ضرایبی به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۷۸، ۰/۷۹، ۰/۸۵، ۰/۷۷ و ۰/۸۰ به دست آمد.

روایی^۲ این پرسشنامه بیشتر با روش مقایسه گروه‌های شناخته بررسی شد. در نیمرخ‌های گروه‌های تحصیلی و شغلی مختلف، تفاوت‌های معنی داری در جهت مورد انتظار مشاهده

1. reliability
2. validity

می‌شود. مثلاً، دانشجویان پزشکی در حوزه نظری و دانشجویان الهیات در حوزه مذهبی بالاترین نمره را داشته‌اند. بین نمره‌های این پرسشنامه و برخی از آزمون‌های دیگر، از قبیل رغبت سنج شغلی استرانگ یا نگرش سنج‌های نوع ترستون نیز روابط معنی داری به دست آمده است (آناستازی، ۱۹۹۰).

محمدی روزبهانی و همکاران (۱۳۷۷) در پژوهش خود با همبسته کردن پرسشنامه فوق با مقیاس چند درجه‌ای که هر کدام از آنها بر اساس یک ارزش ساخته شده بود، ضرایب زیر را به دست آوردند: نظری ۰/۵۵، اقتصادی ۰/۶۳، هنری ۰/۵۲، اجتماعی ۰/۷۰، سیاسی ۰/۵۲ و مذهبی ۰/۸۰ که همه این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دارند. همچنین، مهرابی زاده هنرمند و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش خود با استفاده از روش روایی ملاکی همزمان، نمره‌های این پرسشنامه را با نمره‌های حاصل از مقیاس روایی سازه‌ای همبسته کردند و برای دانش‌آموزان ضرایب زیر را به دست آوردند: نظری ۰/۷۲، اقتصادی ۰/۸۱، هنری ۰/۶۹، اجتماعی ۰/۵۹، سیاسی ۰/۶۷ و مذهبی ۰/۸۷ که همه این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنی دار هستند.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نظام ارزشی دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

دانش‌آموزان		دبیران		شغل	
				جنسیت	
پسر	دختر	مرد	زن	آماره	ارزش‌ها
۴۴/۶۸	۴۳/۱۱	۴۵/۳۵	۴۲/۲۸	میانگین	نظری
۶/۴	۶/۲۵	۶/۲۰	۴/۸۶	انحراف معیار	
۴۰/۷۱	۳۸/۷۲	۴۰/۴۵	۳۹/۸۷	میانگین	اقتصادی
۵/۲۵	۴/۶۱	۴/۳۸	۴/۱۸	انحراف معیار	
۳۶/۱۴	۳۶/۶۶	۳۹/۱۷	۳۷/۴۲	میانگین	هنری
۷/۲۹	۶/۸۲	۶/۴۹	۸/۰۳	انحراف معیار	
۴۰/۳۸	۴۲/۳۰	۴۲/۰۲	۳۹/۳۲	میانگین	اجتماعی
۷/۲۹	۶/۸۲	۶/۴۹	۸/۰۳	انحراف معیار	
۴۰/۲۵	۳۸/۶۶	۳۹/۸۰	۳۷/۰۵	میانگین	سیاسی
۵/۴۸	۵/۷۵	۶/۵۳	۵/۰۸	انحراف معیار	
۳۵/۸۴	۳۷/۵۴	۳۰/۵۲	۳۹/۷۲	میانگین	مذهبی
۸/۶۳	۷/۳۰	۱۰/۱۸	۸/۷۳	انحراف معیار	

در ارتباط با سؤال اول پژوهش، همان گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سلسله مراتب نظام ارزشی نمونه مورد مطالعه در دبیران به ترتیب ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و مذهبی را شامل است. این سلسله مراتب برای دانش‌آموزان ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و هنری را شامل است. اولویت ارزش‌ها به تفکیک جنسیت برای دبیران مرد ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و مذهبی بود و برای دبیران زن، به ترتیب ارزش‌های نظری، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، هنری و سیاسی را شامل است.

سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان پسر به ترتیب ارزش‌های نظری، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هنری و مذهبی را شامل است. نهایتاً اینکه سلسله مراتب ارزش‌های دانش‌آموزان دختر به ترتیب ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و هنری را شامل است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، با استفاده از تحلیل واریانس دو متغیره، به مقایسه نظام ارزش‌های دبیران و دانش‌آموزان اقدام شد که نتایج در جداول ۲ الی ۷ آمده است.

جدول ۲: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های نظری دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	میانگین مجدورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۳۴۹/۵۶	۱۱۶/۵۲	۳	۳/۰۷۱	۰/۰۲۸
درون گروهی	۱۲۷۴۹/۹۹	۳۷/۹۵	۳۳۶	-	-
کل	۱۳۰۹۹/۵۶	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۲ حاکی از آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های نظری، تفاوت معنی داری در سطح ($F=۳/۰۷۱$ ، $df=۳$ و ۳۳۶ ، $\alpha=۰/۰۵$) وجود دارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین ارزش‌های نظری دبیران مرد و زن، دبیران مرد با دانش‌آموزان دختر، دبیران زن با دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر و پسر معنی دار است.

جدول ۳: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های اقتصادی دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۲۷۴/۸۶	۹۱/۶۲	۳	۳/۹۸	۰/۰۰۸
درون گروهی	۷۷۳۳/۱۹	۲۳/۰۱	۳۳۶	-	-
کل	۸۰۰۸/۰۶	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۳ نشان دهنده آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های اقتصادی، در سطح ($F=۳/۹۸۱$ ، $df=۳$ و ۳۳۶ ، $\alpha=۰/۰۵$) تفاوت معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین ارزش‌های اقتصادی دبیران مرد و زن، دبیران زن با دانش‌آموزان پسر معنی دار است.

جدول ۴: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های هنری دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۲۹۹/۸۸	۹۹/۹۶	۳	۱/۹۷۲	۰/۱۱۸
درون گروهی	۱۷۰۳۰/۱۶	۵۰/۶۸	۳۳۶	-	-
کل	۱۷۳۳۰/۰۵	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۴ نشان دهنده آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های هنری، در سطح ($F=۱/۹۷۲$ ، $df=۳$ و ۳۳۶ ، $\alpha=۰/۰۵$) تفاوت معنی دار وجود ندارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار نیست.

جدول ۵: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های اجتماعی دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۴۱۱/۵۱	۱۳۷/۱۷	۳	۵/۳۷	۰/۰۰۱
درون گروهی	۸۵۸۹/۸۱	۲۵/۵۶	۳۳۶	-	-
کل	۹۰۰۱/۳۳	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۵ حاکی از آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های نظری، در سطح ($F=5/37$ ، $df=3$ و 336 ، $\alpha=0/05$) تفاوت معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین ارزش‌های اجتماعی دبیران مرد و زن، دبیران زن با دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان دختر و پسر معنی دار است.

جدول ۶: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های سیاسی دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۳۷۹/۲۲	۱۲۶/۴۱	۳	۳/۹۳	۰/۰۰۹
درون گروهی	۱۰۸۰۹/۵۳	۳۲/۱۷	۳۳۶	-	-
کل	۱۱۱۸۸/۷۵	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۶ بیان کننده آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های سیاسی، در سطح ($F=3/93$ ، $df=3$ و 336 ، $\alpha=0/05$) تفاوت معنی دار وجود دارد. به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد که تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین ارزش‌های سیاسی دبیران مرد و زن، دبیران مرد با دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان دختر و پسر معنی دار است.

جدول ۷: خلاصه تحلیل واریانس مقایسه ارزش‌های مذهبی دبیران و دانش‌آموزان به تفکیک جنسیت

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	P
بین گروهی	۲۰۳۰/۱۹	۶۷۶/۷۳	۳	۹/۶۷	۰/۰۰۰
درون گروهی	۲۳۵۰۱/۸۶	۶۹/۹۵	۳۳۶	-	-
کل	۲۵۵۳۲/۰۶	-	۳۳۹	-	-

اطلاعات جدول ۷ نشان دهنده آن است که بین گروه‌های مورد مطالعه، از لحاظ میانگین ارزش‌های مذهبی، تفاوت معنی داری در سطح ($F=9/67$ ، $df=3$ و 336 ، $\alpha=0/05$) وجود دارد.

به عبارت دیگر، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های مورد بررسی معنی دار است. نتایج آزمون تعقیبی نشان می‌دهد تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین ارزش‌های مذهبی دبیران مرد و زن با دانش‌آموزان پسر و دبیران مرد با دانش‌آموزان دختر و دانش‌آموزان دختر و پسر معنی دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که سلسله مراتب نظام ارزشی دانش‌آموزان به ترتیب اولویت عبارت است از ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و هنری؛ و سلسله مراتب نظام ارزشی دبیران به ترتیب اولویت ارزش‌های نظری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و مذهبی را شامل است. این یافته با نتایج پژوهش ملکی (۱۳۷۸) و عرفانی (۱۳۸۱) همخوانی دارد؛ به گونه‌ای که در نتایج پژوهش عرفانی نیز ارزش‌های نظری در اولویت اول و ارزش‌های مذهبی در اولویت آخر سلسله مراتب نظام ارزش‌های دانش‌آموزان قرار دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در سلسله مراتب ارزش‌های دبیران و دانش‌آموزان چهار ارزش: نظری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به ترتیب اولویت وجود دارند که این می‌تواند بیان‌کننده نقش انگیزشی ارزش‌ها باشد؛ چرا که روکیچ (۱۹۷۳) در نظام ارزشی مکرراً تأکید کرده است که ارزش‌ها بر مبنای نیازها شکل می‌گیرند. بر این اساس، شاید بتوان گفت که غلبه نیازهای سطوح پایین بر اساس سلسله مراتب نیازهای مزلو در جامعه مورد بررسی، به ویژه در میان دبیران، موجب شده است که ارزش‌های هنری و مذهبی در اولویت‌های آخر قرار گیرند. همچنین تغییر در اولویت بندی برخی ارزش‌ها با توجه به تحولات و تغییرات چشمگیر در ساختار و چشم اندازه‌های اقتصادی کشور و فرهنگ عمومی مردم طی دهه کنونی نمی‌تواند زیاد دور از انتظار باشد (بیابانگرد، ۱۳۸۴). در اولویت نخست بودن ارزش نظری در دانش‌آموزان و دبیران از یک سو، می‌تواند از انتظارات طبیعی جامعه از دبیران و دانش‌آموزان، با توجه به مباحث علمی و نظری ناشی شده باشد و از سوی دیگر، نتیجه اهمیت است که این گروه‌ها برای کشف جنبه‌های انتزاعی، انتقادی، عقلانی، خرد گرایانه و روشنفکرانه قائل هستند. همچنین، قرار گرفتن ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اولویت‌های بعدی می‌تواند از تأثیر نقش گروه‌های مرجع و نقش الگوها در فرایند یادگیری و اکتساب ارزش‌ها

ناشی شده باشد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در سلسله مراتب نظام ارزشی دبیران و دانش‌آموزان، ارزش‌های مذهبی و هنری در اولویت‌های آخر قرار گرفته است. این یافته با نتایج پژوهش ملکی (۱۳۷۸) و عرفانی (۱۳۸۱) که دریافتند ارزش مذهبی در آخرین رتبه سلسله مراتب نظام ارزشی دانش‌آموزان قرار دارد و با نتایج پژوهش کریمی (۱۳۸۶) که دریافت از نظر دانش‌آموزان درس دینی خسته‌کننده‌ترین درس‌هاست و نیز با یافته‌های پژوهش سعیدی رضوانی (۱۳۸۷) همسوست که نتیجه گرفت مطلوبیت محتوای کتاب‌های دینی چهارم متوسطه از نظر معلمان و دانش‌آموزان در سطح نازلی قرار دارد. کم توجهی به ارزش‌های فوق در نمونه مورد مطالعه، احتمالاً می‌تواند بیان‌کننده ناکارآمدی برنامه‌های نظام آموزش و پرورش در زمینه تربیت مذهبی و هنری چه در میان دبیران به عنوان متولیان اصلی امر آموزش و چه در میان دانش‌آموزان به عنوان فراگیران برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت باشد.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بین میانگین ارزش‌های نظری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دبیران مرد و زن تفاوت وجود دارد و در تمامی این ارزش‌ها، میانگین دبیران مرد بیش از میانگین دبیران زن است. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های آلپورت و همکاران، (۱۹۶۰)؛ موسگراو (۱۹۸۴)؛ لی و مارکس (۱۹۹۰)؛ کوفیلد (۱۹۹۶)، مهرابی‌زاده و هنرمند، (۱۳۸۳) و شمسیان (۱۳۷۳)؛ عرفانی (۱۳۸۱)؛ ریاحی (۱۳۸۱) و نور بالا و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارد. شاید بتوان تفاوت میانگین ارزش‌های چهارگانه فوق را در میان دبیران مرد و زن به ویژگی‌های ذهنی، انتزاعی و مسئولیت‌های اقتصادی-اجتماعی مردان و زمینه‌های فرهنگی حاکم بر جامعه مورد مطالعه نسبت داد.

همچنین، نتایج پژوهش بیان‌کننده آن است که بین میانگین ارزش‌های نظری، سیاسی، مذهبی و اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر مورد مطالعه تفاوت وجود دارد و در تمامی این ارزش‌ها، به استثنای ارزش‌های اجتماعی میانگین دانش‌آموزان پسر، بیش از میانگین دانش‌آموزان دختر است. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های آلپورت و همکاران (۱۹۶۰)؛ موسگراو (۱۹۸۴)؛ لی و مارکس (۱۹۹۰)؛ کوفیلد (۱۹۹۶)؛ شمسیان (۱۳۷۳)؛ عرفانی (۱۳۸۱)؛ ریاحی (۱۳۸۱) و نور بالا و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارد. شاید بتوان تفاوت میانگین ارزش‌های فوق در میان دختران و پسران دانش‌آموز را به ویژگی‌های ذهنی و انتزاعی و

مسئولیت‌های اقتصادی- اجتماعی پسران و نیز زمینه‌ها و انتظارات فرهنگی حاکم بر جامعه مورد مطالعه از پسران نسبت داد. نتایج پژوهش عبدالفتاح (۱۹۹۲) نیز نشان داد که پسران بیش از دختران به آزادی و استقلال اعتقاد دارند، در حالی که دختران با ارزش‌های خانوادگی و نظارت والدین به لحاظ عاطفی و اجتماعی سازگاری بیشتری دارند؛ ضمن آن که موسس‌گرا و (۱۹۸۴) نیز دریافت که دختران بیش از پسران بر یکپارچگی شخصیت و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کنند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین میانگین ارزش‌های دبیران با دانش‌آموزان در ارزش‌های شش گانه مورد بررسی، به استثنای ارزش‌های هنری، تفاوت معنی دار وجود ندارد. این یافته‌ها با دیدگاه نور بالا و همکاران (۱۳۸۶) که معتقد هستند بیشترین تغییر در نظام ارزشی افراد در خلال سال‌های تحصیل در دوره متوسطه رخ می‌دهد و پس از آن با تثبیت موقعیت دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی بالاتر، ارزش‌ها جایگاه ثابتی را در سلسله مراتب نظام ارزشی پیدا می‌کنند و نیز با یافته‌های رییس (۱۹۸۰) و آدلسون (۱۹۷۵) که نشان داده‌اند بین ارزش‌های جوانان با بزرگسالان اختلاف شدیدی وجود ندارد (مهرابی زاده هنرمند و همکاران ۱۳۸۳)؛ همخوانی دارد.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که بین نظام ارزش‌های دانش‌آموزان با نظام ارزش‌های دبیران، تطابق وجود دارد. بدین معنا که دانش‌آموزان با الگو قرار دادن دبیران خود، از رفتار آنها متأثر شده و سعی بر درون‌سازی نظام ارزش‌های دبیران دارند. در توجیه این نتیجه می‌توان گفت، از نظر دانش‌آموزان، دبیران دارای قدرت مشروعیت، اطلاعات، تخصص و قدرت مرجعی در مدرسه هستند، به دلیل این منابع قدرت دبیران از نظر آنهاست که طبق خواسته‌های دبیران رفتار می‌کنند و بدین لحاظ، از طریق آموزش از سوی دبیران، فرایند انتقال و درونی شدن ارزش‌ها انجام می‌شود. بر پایه نتایج پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر خاطر نشان می‌شود:

در انتخاب دبیران دروس بینش دینی، الگو و نمونه بودن آنها از لحاظ تسلط به مبانی نظری دینی و اعتقادی و التزام عملی آنها به اصول دینی و اعتقادی و توانایی پاسخگویی به سؤال‌های نوجوانان، به عنوان ملاک‌های ارزشی در اولویت قرار گیرد.

مدیران در برنامه ریزی، سازماندهی و اجرای برنامه‌های آموزشی مدارس به مشارکت

دبیران و دانش‌آموزان اهمیت بیشتری قائل شوند. در ضمن، دبیران نیز می‌توانند از طریق به کارگیری شیوه‌های فعال تدریس، زمینه مشارکت فعال دانش‌آموزان را در تجربیات یادگیری فراهم کنند.

در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی به جایگاه والای علم آموزی و تحصیل از طریق ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش و ایجاد فرصت‌های برابر یادگیری و دسترسی همگانی توجه لازم انجام شود.

پیشنهاد می‌شود درباره عوامل مؤثر در افزایش ارزش‌های مورد انتظار از جمله ارزش مذهبی دبیران، پژوهش‌های تجربی اجرا شود و نتایج آن در اختیار مدارس، مراکز علمی و نهادهای فرهنگی قرار گیرد.





منابع

- احدی، ح و محسنی، ن.ج، (۱۳۷۰). روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی، تهران، بنیاد.
- اردوبادی، ا، (۱۳۵۴). بهداشت روانی دانشجویان شیراز، شیراز، دانشگاه شیراز.
- آرون، ریمون، (۱۳۶۸). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، آموزش و پرورش انقلاب اسلامی.
- آزاد مرزآبادی، ا، (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان، مجله علوم رفتاری، سال دوم، شماره ۲، ۱۱۷-۱۲۶.
- اعرابی، ن، (۱۳۷۳). انتقال ارزش از طریق تلویزیون ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- افتخاری، ا، (۱۳۷۸). چستی ارزش‌ها، فصلنامه قیاسات، سال سوم، شماره ۱۳.
- باستانی، س، (۱۳۸۶). جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- بیابانگرد، ا، (۱۳۸۴). مقایسه اولویت‌های ارزشی والدین و نوجوانان شهر تهران، فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱.
- تیموری، ک، (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه نظام ارزش‌های پسران و پدران و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- داریاپور، ز، (۱۳۸۶). بررسی تأثیر وضعیت تأهل بر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- رحیمی، ط، (۱۳۸۵). بررسی رابطه نظام ارزشی مدیران با رشد اخلاقی دانش‌آموزان در دبیرستان‌ها و پیش‌دانشگاهی ناحیه یک شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- روشه، کی، (۱۳۷۹). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی.

ریاحی، ش، (۱۳۸۱). رابطه بین میزان مشارکت دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی در فعالیت‌های پرورشی با نظام ارزش‌ها، خلاصه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی، جلد اول، تهران.

زین آبادی، م، (۱۳۷۶). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های پدران و پسران در خانواده‌های ساکن در شهرستان‌های مشهد و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

سعیدی رضوانی، م، (۱۳۸۷). بررسی نظرات مؤلفان کتب دینی دوره متوسطه، دبیران دینی و دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان‌های شهر مشهد در مورد میزان مطلوبیت محتوای کتاب دینی سال چهارم متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

شمسیان، د، (۱۳۷۳). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان پسر و دختر شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.

شیخی، ش، (۱۳۸۵). بررسی رابطه نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز در دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

عرفانی، ن، ا، (۱۳۸۱). بررسی نظام ارزشی دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی استان کردستان در سال تحصیلی ۷۹-۷۸، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال هیجدهم، شماره ۷۱.

عرفانی، ن، ا، (۱۳۸۳). بررسی رابطه گرایش‌های ارزشی دانش‌آموزان و اولیای مدارس دوره پیش‌دانشگاهی استان کردستان، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال بیستم، شماره ۷۸.

علاقه‌بند، ع، (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، روان.

کریمی، ق، (۱۳۸۶). سنجش نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس‌تعلیمیات دینی و قرآن در مدارس ابتدایی و راهنمایی، دفتر مشاوره پژوهش امور تربیتی کارشناسی مقطع راهنمایی.

کوئن، ب، (۱۳۷۹). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه رضا فاضل و غلامعباس توسلی، تهران، سمت.

کوشکی، ن و همکاران، (۱۳۸۵). مقایسه نظام ارزشی دانش‌آموزان پسر هدایت شده به رشته‌های پنج‌گانه تحصیلی به عنوان اولویت اول در دبیرستان‌های خرم‌آباد، مجله علوم

تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال هشتم، شماره‌های ۳ و ۴، ۱۲۵-۱۳۶.

گیدنز، آ، (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی.

گیلک، ع، ا، (۱۳۷۳). *سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر*، تهران، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.

لطف آبادی، ح، (۱۳۸۵). آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، سال پنجم، شماره ۱۷.

محمدی روزبهانی، ک و همکاران، (۱۳۷۷). بررسی نظام ارزشی و رشد اخلاقی با هویت یابی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴.

معرف زاده، ع.م؛ پاک سرشت م.ج؛ صفایی مقدم، م، (۱۳۸۴). منابع نظام ارزشی ایران و تبیین رابطه آن با فرایند توسعه اقتصادی در نیمه اول قرن چهارم هجری، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، سال دوازدهم، شماره ۴.

ملکی، ا، (۱۳۷۸). بررسی رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده با گرایش‌های ارزشی نوجوانان، تهران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مهرابی زاده هنرمند، م و همکاران، (۱۳۸۳). مقایسه نظام ارزشی و نگرش‌های دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های اهواز با والدین و نزدیک ترین دوستان همکلاسی آنان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران*، شماره ۱ و ۲.

نادری، ع.ا و سیف نراقی، م، (۱۳۸۵). *روش‌های پژوهش و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی*، تهران، ارسباران.

نور بالا، ا و همکاران، (۱۳۸۶). بررسی سلسله مراتب ارزش‌های دانشجویان دانشگاه شاهد طی سال‌های ۷۷ تا ۸۰، *دو ماهنامه دانشور رفتار*، سال چهاردهم شماره ۲۲.

Abdel-Fattah, Y, (1992). Child perception and parental care: social adjustment and moral values, *The social sciences journal*, 20(3-4).

Anastasi, A, (1990). Psychological testing, sixth edition, Macmillan Inc.

Allport, G.W, Vernon, P & Lindzey, E. (1960), *Study of Values*, Boston, Houghton Mifflin Company.

Allport, G.W, Vernon, P & Lindzey, E, (1970). *Manual: Study of Values*, Boston: Houghton Mifflin Company.

Berk, L.E, (1994). *Child development*, Third edition, by Allyn and bacon.

Eccles, j.s, Wigfield, A, Flanagan, C.A & Miller, C, (1998). Self-concepts, domain values, and self-esteem: Relations and changes at early adolescence, *journal of personality*, 57(2). 283-310.

- Rokeach, M, (1973). *The Nature Of Human Values*, New York, the free press.
- Mosgrave, Peter. W, (1984). The moral values of some Australian adolescence. a report discussion *Australian newsland journal of sociology*, 20(2).
- Kumar, K & Thibodeaux, M, (1998). Differences in Value Systems of Anglo-American and Far Eastern Students : Effects of American Business Education, *Journal of Business Ethics*, 17, 253-262.
- Lee, V.E & Marks, H.M, (1990). Sustain effects of the single-sex secondary school experience on attitudes, behaviors, and values in college, *journal of educational psychology*, 82(3). 578-592.
- Sato, S, (1973). A study of interpersonal values in adolescents, *Tohoko Psychological Falia*, 32(1-4).

